



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

گوینده :
آیت الله العظمی
سید محمد شیرازی

در مکتب استاد

گردآورنده :
سید شهاب الدین حسینی واعظ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در مکتب استاد

نویسنده:

سید شهاب الدین حسینی واعظ

ناشر چاپی:

مالك اشتر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	در مکتب استاد
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۸	مقدمه گردآورنده
۱۱	ارزش علم و تربیت
۲۲	پاکسازی اخلاقی
۳۵	درباره مرکز

سرشناسه : حسینی شیرازی، سید محمد

عنوان و نام پدیدآور : در مکتب استاد/ گوینده سید محمد شیرازی؛ نویسنده سید شهاب الدین حسینی واعظ

مشخصات نشر : قم: مالک اشتر [مرکز پخش]، [1363].

مشخصات ظاهری : ص 64

شابک : بها:70ریال

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع : اسلام -- مسائل متفرقه

شناسه افزوده : حسینی واعظ، شهاب الدین، گردآورنده

رده بندی کنگره : BP8/ح 4د5

رده بندی دیویی : 297/02

شماره کتابشناسی ملی : م 3610-63

ص: 1

اشاره

حضرت آیت الله العظمی شیرازی پس از ورود به شهر مقدس قم در سال 1358هـ.ش در مسجد امام زین العابدین (علیه السلام) این شهر درس خارج خود را آغاز نمود و در همان مکان در روزهای پنج شنبه برای طلاب علوم دینی شرکت کننده سلسله سخنرانیهایی را با عنوان درس اخلاق ایراد میفرمودند. کتاب حاضر گردآوری دو سخنرانی از درسهای اخلاق معظم له میباشد که توسط یکی از آقایان شرکت کننده در این درس گردآوری شده و بصورت کتابی با عنوان (در مکتب استاد) به رشته تحریر درآمده است.

ص: 2

عصری که در آن زندگی می‌کنیم نامهای مختلفی دارد عصر تکنیک و صنعت، عصر ماشین، عصر تسخیر فضا، عصر موشک، عصر اتم و خلاصه جهان با قدرت صنعت و تکنیکش مقدسات و نغمه‌های آسمانی و قوانین قرآنی را فراموش کرده و دچار بدبختی و جنایات شایانی شده است که در تاریخ انسانها بی سابقه است. بد نیست برای اثبات مطلب روزنامه اطلاعات 24 / 9 / 51 را بخوانیم که می‌گوید: ملاحظه می‌کنید که جهان با تکنیک و قدرت علمی منهای شرف و انسانیت چه می‌کند، سنبل جهان پیشرفته امروز آمریکا است یعنی اول کسی که توانسته است قدم به کره ماه گذارد و پرچمش را در آنجا نصب کند آمریکا است ولی ناظر تجاوزات آمریکا بر مردم و ممالک زیر دست و بی قدرت بوده و هستیم. این علمی که برای بشر بیچارگی آورده و به وحشیانه ترین عمل در عصر حاضر دست یافته است و این تزلزل فکری و روحی و این انقلاباتی که در جهان بشریت سایه انداخته برای چیست؟ آیا بشر عالم نیست؟ دانشگاه ندارد؟ قدم بر کره ماه نگذاشته؟ چرا همه را کرده و داشته و دارد. پس این اضطرابات برای این است که بشر حاکم علم دارد ولی ایمان ندارد، شرف و انسانیت ندارد، اخلاق ندارد، خدا بدست فراموشی سپرده شده است و جهان حشر و معاد را از یاد برده است و این نه تنها مربوط به کشور آمریکا است بلکه در تمامی ممالک و به عموم افراد سرایت کرده و می‌خواهند از ناپاکی و نداشتن اخلاق و درستی استفاده نمایند. و امیدواریم خدا همه ما را به سوی سعادت و کمال رهنمون و در مسیر شاهراه حقیقت و پاکسازی نفس موفق باشیم.

و کتاب حاضر مشتمل بر ده درس جالب اخلاقی از حضرت آیت الله العظمی حاج سید محمد شیرازی مد ظله در سال 1358 در قم ایراد فرموده اند. و کسانی که با آیت الله آشنایی داشته اند و از نزدیک با ایشان برخورد نموده اند خوب می دانند که این عالم بزرگوار گذشته از تسلط در فقه و اصول که رشته تخصصی هر مجتهد و مرجع تقلید است در مباحث و موضوعات مختلف اسلامی و حدیث و تفسیر و مهارت در تاریخ و ادبیات، دارای مطالعات وسیعی بوده و تا کنون صدها کتاب فقهی و اصولی و اسلامی و تاریخی در سطح همه اقشار جامعه نوشته و همیشه و همه وقت سعی بر این داشته و دارد که همه مردم در همه جا رشد و آگاهی صحیح اسلامی یافته و طریق اسلام صحیح را بشناسند. و از حرفهای همیشگی و روزانه معظم له این است که باید امروز قلم بدست گرفت و کتاب نوشت زیرا مردم احتیاج به فرهنگ دارند و در تمام کشورهای اسلامی نیازمندی زیاد است و تمام مصیبتهای دنیا از بی فرهنگی و یا کم فرهنگی است که اگر فرهنگ مسلمانان خوب شود هم دنیا و هم آخرتشان هردو آباد و عالی خواهد بود. امام صادق علیه السلام می فرماید: لَيْتَ السَّيَاطِ عَلَى رُؤَسِ اصْحَابِي حَتَّى يَتَفَقَهُوا. ای کاش با تازیانه اصحاب مرا می زدند تا بفهمند که مراد از فقه همان فهمیدن است. و تا زمانی که مسلمانان فقهی که در قرآن و سیره ائمه معصومین(ع) موجود است را نفهمند در حال عقب ماندگی خواهند ماند. و می دانیم که وجود مبارك پیامبر معلم و رهبر راستین امت آنقدر گرسنه می شدند که سنگ به شکم مبارك می بستند و حضرت زهرا(ع) و علی(ع) از گرسنگی در فشار بودند ولی از احدی يك دينار و درهم نمی گرفتند و تمام همتشان ارشاد و هدایت و آقایی مردم بود که در این راه چه آزارها و اذیتها کشیدند.

کتاب بنویسید و حضرات ائمه طاهرین ارواحنا فدا هم را به مردم معرفی کنید زیرا که جامعه آنها را درست نشناخته و فکر می کند که آن بزرگواران فقط عالمی بیش نیستند و باید بدانند که اینان خلفاء واقعی خدا در روی زمین اند و عالم بواسطه آن ذوات مقدسه بنا گردیده و هدفشان پیاده کردن احکام مقدس و نورانی قرآن و اسلام راستین بوده است. و چون دیدم کلمات و بیانات اخلاقی و درسهای خود سازی آن آیت الله بکر و جالب است، لذا اقدام به نوشتن آن کردم تا ادای ادبی به این استاد تربیت و اخلاق باشد.

قم - سید شهاب الدین حسینی واعظ تابستان 1363

ص: 5

ما در عراق که بودیم و در کویت نیز هفته ای یک روز را که تعطیل بود به درس اخلاق اختصاص می دادیم و رفقا همگی استقبال می کردند و امروز این کار و برنامه را در اینجا (قم) دنبال می کنیم. اخلاق جمع خلق به معنای صفت است و معنای خاصی ندارد بلکه معنای عام است و اصولاً اخلاقیات در گوینده و شنونده هر دو مؤثر است مثل مرثیه و ذکر مصیبت که هم گوینده و هم شنونده را تأثیر می بخشد. آیه شریفه ای که در اول بحث است استفهام است و استفهام با قیمتی است که هیچ چیزی را فروگذار نکرده است: هر دانا و هر نادان مساوی نیستند. و دانا بودن و نادان بودن اختصاص به بشر ندارد بلکه حیوان هم اگر دانا باشد قیمت دارد. در کویت معمولاً در مراکز پلیسی از سگ های تربیت شده استفاده میکنند که شاید این سگ خیلی کارها انجام و مشکلاتی را رفع می نماید.

در این کویت که ما بودیم دو سگِ پلیس را به مبلغ پنجاه هزار دینار کویتی (5.2) ملیون تومان ایرانی خریداری کرده بودند و از امتیازات این دو سگ غریزه و شامه ای بود که مجرم را می شناخت و دستگیر می کرد. یکی از دوستان کویتی ما که در ماشین سازی کویت است نقل کرد که مغازه ما را سرقت کردند و ما نفهمیدیم که دزد کیست و هرچه تلاش کردیم نتیجه ای نگرفتیم به ناچار از این سگ کمک گرفتیم و عده ای را به صف کرده سپس سگ را رها کردیم تا ببینیم چه می کند، آیا واقعا دزد و سارق را می شناسد و می گیرد، دیدیم تمام افراد در صف قرار گرفته را بو کرد تا رسید به آخری و او را دستگیر کرد، آن شخص تا این عمل را از سگ دید فریاد و داد زد که من دزد نبودم و این سگ بیخود مرا گرفته باز صف تشکیل شد و این دفعه این آقا را وسط قرار دادند باز سگ همه را بو کرد و همین شخص را گرفت باز فریاد اعتراض که من دزد نیستم، مرتبه سوم او را اول صف قرار داده و سگ را از آخر مأمور گرفتن دزد کردند باز هم آمد و میچ همان شخص را گرفت،

ص: 7

همگی فهمیدند که این جوان دزد است و جوان التماس و انتقاد که من دزد نیستم و سگ بیخود مرا گرفته و نشناخته است، جوان را به حمام بردند و تمیز کردند و لباسهای قبلی او را عوض کردند و دوباره همه در صف ایستاده سگ را رها کردند باز سگ همه را بو کرد و همان جوان سابق را که این بار تغییر لباس داده بود و حمام رفته بود گرفت و برای چهارمین بار معلوم شد که دزد همین شخص است و خود او هم به دزدی اقرار کرد و پولهایی را که برداشته بود پس داد. پس ببینید هرچیز دانایی خوب است حتی اگر سگ باشد و لذا باید آدمی جدیت کند که دانایی و علمش را زیاد کند و در تمام زمینه ها دانا و آگاه باشد، بخصوص ما که اهل علم و دانشیم باید سعی کنیم در فرا گرفتن بیشتر علم و دانش. و تلاشمان این باشد که به سواد و معلومات خود بیافزاییم و در موفقیت این راه باید از خدای بزرگ مساعدت و یاری بگیریم و از او بخواهیم که ما را بپذیرد و توفیق بدهد. *أول العلم معرفة الجبار و آخر العلم تفویض الامر الیه.* در ورود و آغاز علم و دانش اتکاء به خدا و برای خدا و پایان و آخر هم برای خدا و به دست خدا.

ص: 8

الهی چنان کن سرانجام ك-ار تو خوشنود باشی و ما رستگار و ظاهرا علمی که برای خدا نباشد ثمره ای ندارد و علمی است بی محتوی. و چرا علماء و مجتهدین گذشته اینقدر اعتبار و شهرت گرفته اند که امروز در بیشتر حوزه ها و مراکز دانش و دانشگاهی جهان نامشان بر سر زبانهاست و همه مورد احترام و تکریم می باشند به خاطر این است که ارتباط با مبدأ داشته اند و بنام او و به خاطر او به دنبال علم و کمال رفتند و دسته ای هم زحمت کشیدند و معلوماتی کسب کردند و خدماتی هم تقریباً به جامعه عرضه نمودند و اکتشافاتی هم داشتند ولی مردند و از آنان اصلاً نامی و مطلبی نیست چون خودشان و علمشان برای خدا نبوده، قرآن کریم و روایات و پیشوایان دین علیهم السلام علم و عالم را ستوده و برای آنان مقامی منیع قایل شده اند. هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون انما یتذکر اولوا الالباب. آیا نادان و دانا مساوی و برابرند؟ هرگز همانا صاحبان عقل و دانش برتر و ممتازترند.

ص: 9

عن ابی عبدالله(ع): قال رسول الله(ص) طلب العلم فریضة علی کلّ مسلم و مسلمة الا ان الله یحب بغاة العلم. امام صادق(ع) فرمودند که پیامبر اسلام(ص) فرمود: درخواست علم و دانش بر هر مرد و زن مسلمان واجب و لازم است و خداوند تعالی دوست دارد دانش جویان را. اشتباه نشود، علم و دانش که بر مرد و زن واجب شده است، علم دین و شناخت توحید و معنویت است نه علمی که دختر و پسرش با توحید و معنویات مبارزه کرده و آن را خرافه و ارتجاع نامند. نه علمی که خواننده و یاد گرفته اش مخرب و کارشکن باشد، نه علمی که دختر و پسر را به سوی دنائت و فساد ببرد، متأسفانه بعضی از پسرها و دخترهای درس خوانده و معلومات دار ما از علمشان سوء استفاده کرده دست به پاره ای از جنایات و خودسری ها می زنند که واقعا شرم آور است. و خداوند دانش جوی پاک، خداپرست و خدا ترس و متقی را دوست دارد نه هر دانش جویی را.

آیا دانشجوی دختر و پسری که در سخنرانیهایشان اصلاً نام خدا و دین و ائمه طاهرین(ع) و... نیست و با آنان در ستیز و نبردند محبوب خدا هستند؟ آیا دانشجویی که از دشمن خدا و کارشکن و مخرب دین خدا که افکار مردم را به سوی ضلالت و گمراهی و انحراف می کشاند به عنوان نابغه و استاد نام می برد و اصلاً توجه ندارد، محبوب خداست؟ هرگز. دانشمندان و روحانیت واقعی اسلام که دانشجویان و عالمان دینند چون لباس اسلام و قرآن را به تن دارند و نشر دهندگان حکم خدا و قرآن و ستند محبوب خدا و خلقند. فقط روحانیت و دانشجویان دین دار مورد ستایش خدا و برگزیدگان خدا و انبیاء و ائمه(ع) قرار گرفته اند نه دیگران. عن امیرالمؤمنین(ع): اَيُّهَا النَّاسُ اعْلَمُوا ان كَمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَالْعَمَلُ بِهِ الْاَوَّلُ وَان طَلَبَ الْعِلْمِ اَوْجِبَ عَلَيْكُمْ مِنْ طَلَبِ الْمَالِ اِنْ الْمَالِ مَقْسُومٌ مَضْمُونٌ لَكُمْ وَ قَدْ قَسَمَهُ عَادِلٌ بَيْنَكُمْ وَ ضَمَنَهُ وَ سَيُوفِي لَكُمْ وَالْعِلْمُ مَخْزُونٌ لَكُمْ عِنْدَ اَهْلِهِ وَ قَدْ اَمَرْتُمْ بِطَلْبِهِ مِنْ اَهْلِهِ فَاطْلُبُوهُ: امام علی(ع) می فرماید: ای مردم بدانید که کمال دین به دانشجویی است و عمل به دانش، و همانا بدانید که طلب علم بر شما از طلب مال حلال لازمتر است زیرا مال را خدای عادل بین شما تقسیم کرده است و ضمانتش را هم داده و به ضمانت آن وفا می نماید که رسیدن و دادن روزی باشد. ولی علم نزد اهلش نگهداری شده است و شما مأمورید که آن را از اهلش بخواهید (باید شما پیش آنان بروید نه اینکه آنان نزد شما بیایند). عن ابی عبدالله(ع): قال سمعته يقول الناس على ثلثة اقسام (اصناف) عالم و متعلم و غثاء فنحن العلماء و شيعتنا المتعلمون و سائر الناس غثاء.

از امام ششم (ع) است که مردم بر سه دسته اند: دانشمند - دانشجو - خاشاک روی آب. علماء و دانشمندان مائیم و شیعیان ما دانشجویان و مردم دیگر حباب و خاشاک روی آب می باشند. آنرا که علم و دانش و تقوی مسلم است هر جا رود قدمش خیرم - قدم است جاهل بروز فتنه ره خانه گم کند عالم چراغ جامعه و چشم مردم است از اشتباهات بیشتر مردم این است که می گویند ما در قرآن خوانده ایم که نمی شود يك آیه مثل قرآن آورد و این حرف ناصحیح است و می شود يك آیه آورد. مدها مٔان (دو برگ سبز) زیدان خرچا و امثالهما. بلکه آنچه صحیح است این است که يك سوره نمی شود مثل قرآن آورد چنانکه در خود قرآن اشاره شده است: فأتوا بعشر سور مفتریات - فأتوا بسورة من مثله، او مثلها. تا اینجا معلوم شد که شخص باسواد و دانا قیمت دارد و هرچه دانائیش بیشتر، قیمت و ارزشش بیشتر، ولی شخصی که سواد و علم ندارد هیچ ندارد و بی قیمت است ولو اگر پادشاه و ملك باشد.

ص: 12

یکی از سلاطین گذشته المستکفی بالله عباسی است وقتی مرد زیر پیراهنش، 4 میلیون ارزش داشت و این قیمت و ارزشی نیست و کسی را بخاطر گران بودن لباسش احترام نمی کنند بلکه هرچه محبوبیت است مال شخص دانا و باسواد است و علی(ع) در نهج البلاغه در کلمات قصار می فرماید: (قیمة کل امرء ما یحصل). ارزش هر مردی بقدر کار و عمل اوست، اگر عملش سالم و صالح باشد خوب است و با قیمت. معروف است که پسری با پدرش آمدند در مسجد کوفه تا در نماز جمعه بامامت حضرت علی(ع) شرکت کنند جوان دید آقا بالای منبر است و مردم را تذکر می دهد و پیراهن خود را هم تکان می دهد، ناراحت شد و تعجب کرد که این چگونه واعظ و گوینده ای است که از حالت طبیعی خارج است، علی را نمی شناخت،

از پدرش پرسید علت حرکت دادن پیراهن را، جواب داد پسر من تو نمی دانی من که از یاران و صحابه او هستم می دانم، علی (ع) يك پیراهن بیشتر ندارد و او را شسته و پوشیده و روی منبر هم سخن میگوید و هم پیراهن نمناك را تكان می دهند تا خشك شود علی (ع) رهبر و امام ملت است ذره ای نمی خواهد از حکومتش سوء استفاده نماید و تأسی به فقراء و بیچارگان شهر کوفه می نماید و شما حتما این قضیه را شنیده اید که: روزی امیرالمؤمنین از خانه بی سرپرست و گرسنه ای مطلع شدند و بلافاصله رفتند و آذوقه ای برای آنان آورده در خانه را زدند و مقدمات بی نیازی و رفع گرسنگی اهل این خانه را آماده کردند و یا با برادرش عقیل چطور رفتاری داشتند نه به او مقام دادند و نه پول، بلکه حقوق مساوی با دیگران به او می پرداختند، تا اینکه روزی برادر را به خانه دعوت کرده و از وی خواست که حقوقش را زیاد کند و گفت شما که رهبر و حاکم کوفه اید باید اول ما را در ناز و نعمت فرو برده بعد بداد مردم برسید و اصلاً چه عیبی دارد که مردم بمیرند و در فشار و سختی زندگی کنند، بگذارید من خانه و کاخ و ویلا و مستغلات و اتومبیلهای مختلف داشته باشم و خائن و سارق باموال بیت المال مسلمین باشم ولی مردم هیچ نداشته باشند،

گرسنه باشند، حقشان ضایع شود، امام علی چنان ناراحت شد که فریاد زد عقیل تو مرا به خیانت و دزدی دعوت می کنی، مگر نمی دانی که اموال بیت المال ویژه مسلمین است و علی را که حاکم کشور اسلامی است از آن حقی نیست و این است طرز حکومت علی (ع) و به امید روزی که این حکومت در ایران و در تمامی بلاد و کشورهای دیگر وجود پیدا کند و عالمی در رفاه و آسایش باشند. عبدالکریم قاسم را در عراق با آن اعتبار و مقام یک سرباز ترور کرد و همه دیدند و از رادیو شنیدند، از اول هم قیمت نداشتند و به زور خود را بر مردم سوار کردند و ادعای سلطنت و شاهی نمودند، ولی بزرگان دین و علمای اسلام با وجودی که نامشان در رسانه های خبری برده نمی شود اما ارزش و قیمتی مخصوص دارند مثلاً از شیخ مفید چقدر تجلیل می شود و از نوشتجات و مؤلفات او در درسهای حوزه علمیه استفاده و بقیه اثراتش مورد تائید و مدرک اقتباس و نقل عموم و خصوص می باشد. آیا شیخ مفید چه کسی بود و از کجا آمده بود؟ شخصی عادی و معمولی بود، درس خواند، تقوی داشت بدرس و سواد ادامه داد تا اینکه قیمت پیدا کرد و مرجع تقلید دیروز و امروز و فردا شد. بعکس منصور دوانیقی که جنایات و خراب کاریهای زمان حکومتش بر احدی پوشیده نیست چقدر خودسر و خائن بود دستور داد خانه حضرت امام جعفر صادق (ع) را آتش بزنند وقتی مأمورینش برای این عمل قبیح آمدند زن و بچه و اهل بیت خانه همگی ناراحت شدند و گفتند الان خانه و اثاث ما می سوزد،

ولی دیدند ناگاه حضرت صادق(ع) وسط آتش آمده فرمودند: انا بن ابراهیم الخلیل. من فرزند ابراهیم خلیلم، آتش ایستاد و خاموش شد، معجزه و نشانه امامت است که آتش خاموش می شود. نمرود مزدور هم پس از مخالفت‌های پی در پی ابراهیم و اعلام اینکه حکومت نمرود غیرالهی است و من قبول ندارم مردم را بر ضد حکومت می شورانید و از جنایات نمرود پرده برداری می نمود با ناراحتی و عصبانیت دستور داد هیزم آوردند و آتش روشن کردند و با منجنیق حضرت ابراهیم را در وسط آتش انداختند، نمرود خوشحال شد و گفت: الان ابراهیم اخلا لگر می سوزد و من راحت و آسوده می شوم، ولی دید عجا آتش گلستان شد و خطاب رسید: یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم. ای آتش سرد و سلامت باش برای ابراهیم. در هر عصر و زمانی خداوند ابراهیمی دارد که با نمرود زمان ستیز می کند و او را سرنگون و ساقط می سازد.

چون درس اين هفته مصادف است با ماه ذى حجه الحرام، ماه فضيلت، ماه پاكسازى، ماه حج و عبادت و اعمال. و لذا دستور اكيد است كه بايد بين صلاتين مغرب و عشا دو ركعت نماز به نيت دهه نخستين ذى الحجه خوانده شود تا صاحبش را در عمل حج شريك سازند. (و اعدنا موسى ثلاثين ليلة و اتمناها بعشر فتم ميقات ربه اربعين ليلة و قال موسى لآخيه هارون اخلفنى فى قومي و اصلح ولا تتبع سبيل المفسدين) (سوره اعراف: آيه 142). چه خصوصيتى دارد اين آيه مذكور كه روايت است هر كس او را همراه با دو ركعت نماز و حمد و سوره بخواند خداوند طواف حجاج را به او مى دهد.

آیا این حرف مبالغه و خلاف است؟ ابداً. بدون زحمت و مشقت پول خرج کردن و رفتن به مکه و اعمال انجام دادن با دو رکعت نماز که گفتیم خدای بزرگ اینقدر صواب به خواننده اش می دهد. البته ما در اینجا در مقام تفسیر آیه و نماز این دهه نیستیم و فقط به عنوان مقدمه بحث از او یادی نمودیم. می دانید که وقتی حجاج به سمت طواف می روند آیه مزبور را می خوانند، و خدا روزی کند هر سال این سفر با برکت و شریف قسمت ما بشود و از خوبیهای این سفر اینکه تمام مسلمین از سرتاسر جهان در یکجا جمع می شوند و یکدیگر را می بینند و از احوال و اوضاع بلاد و کشور و مسلمانان اطلاع پیدا می کنند و به مساعدت و کمک یکدیگر اقدام می نمایند و از جهت معنا آدمی را متوجه مرگ و جهان محشر می کند که تمامی افراد بشر با يك لباس احرام و مخصوص در پیشگاه عدل الهی حاضر و زنده گشته و جزای اعمال خوب و بد را می گیرند. در زمان امام زین العابدین(ع) حجاجی که به مکه می رفتند (5.4) میلیون نفر بودند و در سال 1394هـ- طبق آمار رسمی يك میلیون و پانصد هزار نفر به حج رفتند.

ص: 18

قریب يك مليون آنان از خارج عربستان سعودی بودند و همه از این عدد بزرگ که بی سابقه بوده است هراس و ترس داشتند. در آن سال پس از ایام حج هر حاجی را که می دیدید شکایت از چند چیز معین داشت. افرادی با چشم خود دیده بودند که چگونه بعضی مردم از شدت ازدحام در خانه خدا و در مطاف زیر پاها جان داده بودند. و برخی دیگر در مذبح و کشتارگاه و جمرات و بعضی خیابانها چنین مناظری را مشاهده کرده بودند. دسته ای دیده بودند که چگونه قسمتی از دیوارهای منی ریخته و جابجا چند نفر را کشته است. و مردم دیگری در آن سالم دیده بودند که چگونه بیماری شبه وبا گریبانگیر برخی از حجاج گردیده و در اثر آن چند نفر مرده اند. و گروهی دیده بودند که چگونه در بعضی از مناطق منی آتش سوزی روی داد و عده ای در اثر آن سوختند و خلاصه هرکس از چیزی شکوه داشت. و برخی دیگر رنج می بردند که چرا در این کنگره عظیم اسلامی تبلیغات دینی وجود ندارد و پاره ای ناراحت بودند که چرا تاکنون بقیع و قبور ائمه اطهار(ع) و شهدای اسلام و اصحاب و اهل بیت پیغمبر خراب است.

شکی نیست که تمام این اوضاع نیازمند علاج و درمان است و درمان هرگز در دست يك حکومت، يا يك انسان و يا گروه خاصی نیست و هرگز نمی توان جلوی این سیل خروشان حجاجی را که هر ساله رو به فزونی است گرفت زیرا که رفت و آمد آسان شده ولی زندگی پیچیده مادی نیازمند چنین سفرهای معنوی است تا مردم در درگاه الهی و در آستانه پیامبر و ائمه اطهار و اصحاب گرامی او از پاره ای مشکلات رهایی یابند و اسلام در حد خود مردم را جهت ادای این فریضه مقدسی که خداوند آن را قیام مردم خوانده است تشویق و تحریص می نماید.

ص: 20

و از جهت دیگر هر حکومتی هر مقدار قدرت و امکانات داشته باشد و مردم نیز هر قدر دانش و آگاهی داشته باشند نمی توانند اوضاع را بگونه ای درمان کنند که در این سفر چند روزه همه چیز به خوبی و آسایش کامل بگذرد و چاره ای نیست مگر اینکه همه دست در دست هم داده و کوششهای مخلصانه ای برای ایجاد نظم و تعمیم عمران و وسایل آسایش و تنظیم رفت و آمد و سکونت و غیره انجام بدهند. در آیه مورد بحث خداوند به حضرت موسی بن عمران می فرماید: ما موسی را به مدت سی روز به کوه طور فرستادیم برای این که الواح تورات را مشاهده کند. می دانیم که حضرت موسی یکی از پیغمبران خداست و باید هر پیغمبری دارای کتاب باشد و کتاب او تورات بود و عده ای به او ایمان آورده بودند خداوند خواست قوم موسی را آزمایش کند و ببیند که آیا در اثر غیبت موسی ملت متفرق می شوند یا نه.

سی روز مأموریت داشت در کوه طور بماند وقتی مأموریتش تمام شد، ده روز اضافه گشت و در این مدت ده روز اضافه ملت متفرق شدند و از موسی دست برداشتند و گوساله پرست شدند. چرا اول فرمود 30 و بعد 40 آیا در کار و قول حق تعالی نقص و اشتباهی است؟ ابداً. بلکه می خواهد پیغمبر و قومش را آزمایش و امتحان کند و شاید بنا بود در این مدت ده روز انقلابی به وجود بیاید و وقتی انقلاب شد همه برگشتند و کافر به انقلاب و پیروزی خود شدند. فلما جائهم ما عرفوا کفروا به. قوم موسی با تلاش و کوششهای موسی آدم شدند و سعادت باز یافتند ولی متأسفانه مخالف با سعادت و آدمیت بودند او را رها کردند و به کشتار و خونریزی مبادرت ورزیدند. (یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم) (سوره بقره: آیه 49). مردها را کشتند و زنها را مورد بی حرمتی قرار دادند و به عذاب و درد بی درمان مبتلا شدند.

ص: 22

وقتی قدر انقلاب و عالم و پیغمبر را ندانند فرعون دژخیم و دیکتاتور بر آنان مسلط می شود که ذره ای رحم و عاطفه ندارد. بنی اسرائیل بعد از آن همه شکنجه ها و آدم کشیها و زناهای با دخترها و زنها فهمیدند که باید به دنبال موسی باشند و حضرت موسی فرمودند من 30 روز به کوه طور می روم حالا چه شد آیا حادثه ای پیش آمد که ده روز تفاوت و اضافه شد و برای آزمایش مردم فرمود: (و اتمنناها بعشر) ده روز بیشتر او را در کوه طور نگهداشتیم. با ده روز انقلاب به وجود می آید و با ده روز انقلاب معدوم و نابود می شود. (وقال موسی لایخیه هرون اخلفنی فی قومی وأصلح ولا تتبع سبیل المفسدین). حضرت موسی سه جمله به برادرش هارون پیغمبر فرمود. 1 - اخلفنی فی قومی: جای من باش و فرار نکن، البته جانشین شدن و قبول مسئولیت مشکلاتی هم دارد، مشکلات انقلاب، مشکلات مسجد، مشکلات محراب و منبر، مشکلات تعلیم و تربیت، مشکلات امام جماعت بودن. اینها تمام فحش و ناسزا دارد، مردمی که به پیغمبر و ائمه (ع) جسارت کردند و آنان را مورد تندی و بی اعتنائی قرار دادند بی سرانجام و فرومایه هستند. 2 - أصلح: دومین موعظه ای که موسی به هارون کرد این بود که فرمود: اصلاح کن.

مگر هارون مفسد بود که فرمود اصلاح کن. ابداً، بلکه به ما خطاب می کند به اینکه فسادگر نباشیم و همیشه خواهان اصلاح باشیم، اصلاح جامعه، اصلاح درون، اصلاح خانواده... 3 - لا تتبع سبيل المفسدين: در راه مفسدین نباش. آیا مگر حضرت هارون دنباله رو مفسدین بود که حضرت موسی فرمودند در راه مفسدین نباش باز ما مورد خطاب هستیم همراه فاسد و ضد خدا نرو، در مسیر طاغوت نباش، کارشکنی نکن، کم کاری نداشته باش. امام شافعی در این باره نصیحت می کند: لسانك لا تبدی به سؤة امرئ فكلك سؤة و للن- اس ألس-ن و عینك ان اهدت اليك معایبا من الناس قل یا عین للناس اعین با زبانت بدی مردم را نگو در صورتی که خودت پر از عیبی زیرا اگر بدی مردم را گفתי بدی تو را خواهند گفت. و چشمت اگر خواست نقص و عیب کسی را پیش تو مجسم کند بگو ای چشم مردم هم ناظر و بیننده و چشم دارند و عیب تو را می بینند.

ص: 24

بقول شاعر: هر بد که به خود نمی پسندی با کس مکن ای برادر م-ن این داستان مشهور را هم شنیده و خوانده اید: حضرت عیسی (ع) با جمعی از شاگردان از کوچه ای عبور می کردند، ناگاه در وسط راه میّتی را دیدند که فضای کوچه را پر از بوی تعفن کرده است شاگردها همه دستها را در بینی خود گرفتند ولی حضرت عیسی و استاد، این کار را نکردند و فرمودند اگر شما بوی تعفن مرده را دیدید و شنیدید ولی من دندانهای سفید و قشنگ او را دیدم. یکی از چیزهایی که برای اصلاح درون مفید و مؤثر است تلقین کردن است. اگر در صدد باشیم که تلقین به خود نماییم و در صدد اصلاح نفس باشیم با يك مدت کوتاهی تغییر درون خواهیم داد و با تلقین کردن به خود آدمهای زیادی اصلاح گشته اند. شما گاندی را می شناسید و معتقدید که او مسلمان نیست در صورتی که من فکر میکنم مسلمان بوده ولی اظهار نمی کرده چون می خواسته حرکتش خراب نشود، با سر و وضع ساده زندگی می کرده و شاگردانی داشته که از جمله آنهاست (راجند برآزاد) که در استقلال حکومت هند به ریاست جمهوری رسید و شاگرد دیگرش محمد علی جناح است که همه او را مسلمان می دانند، هرچه باشد.

ص: 25

شاگرد اولش کتابی دارد بنام (قصه تجارب مع الحقیقة) زحمتی که برای بدست آوردن حقیقت کشیدم. این گانندی در کودکی ترسو بود و شبها بیشتر در خواب جن ها را می دید و از خواب می پرید و ناراحت بود، در اثر تلقین این آدم ترسو در اواخر عمر به جنگهای بزرگ می رفت و اصلاً ترس و وحشتی نداشت، و این از محسنات تلقین است. میثم تمار یکی از برکات و افتخارات عالم اسلام است او فردی بود عبد و بد ترکیب و سیاه، روزی امیرالمؤمنین (ع) با دوستان تازه وارد کوفه شده بودند و مردم آن جناب را نمی شناختند از کنار میثم گذشتند دیدند او نزد يك زن نشسته است حضرت به زن فرمودند این بنده را می فروشی جواب داد آری پنجاه دینار (سه ربع مثقال طلا) فرمودند او را بخرید زن که دید علی (ع) با پنجاه دینار خرید میثم موافقت دارند و از طرفی هم او را نمی شناخت فوری گفت: نه آقا او را صد دینار می دهم،

امام فرمودند به او صد دینار بدهید، باز زن به صد دینار اکتفا نکرد و گفت: دویست دینار، و خلاصه تا چهارصد دینار آمد و علی (ع) بدون اینکه ناراحت شوند چهارصد دینار دادند و جناب میثم را خریدند و با خود بردند و در کنار مکتب علی (ع) تربیت یافت و چنین شخص نمونه و با عظمتی شد، اگر امام علی (ع) میثم را به چهارصد دینار اکتفا نکرده بودند امکان نداشت اینقدر امتیاز و مقام برای میثم باشد و می دانید که جناب میثم با وجودی که زیبا نبود ولی مجاهداتش زیبا و با نمونه است و از انقلابیون خستگی ناپذیر زمان معاویه است و در اثر مجاهدات و مبارزات وی معاویه به لرزه و زانو در آمد و خواب و آرام نداشت و عاقبت در راه حمایت و طرفداری از مقام مقدس ولایت شهید شد که ما همیشه نامش را گرمی و راهش را دنبال خواهیم نمود. مثالی دارند فلاسفه به اینکه: در يك دانه حنظل تلخ يك مگس نیست ولی در يك ذره عسل ممکن است دهها مگس بنشینند و از شیرینی او استفاده کنند. و ما سعی کنیم حنظل نباشیم و عسل باشیم که همه به دور ما باشند و این امکان ندارد مگر اینکه تلقین به نفس داشته باشیم و خود را اصلاح نمائیم.

جامعه ای که تلقین نفس ندارد و در صدد اصلاح خویش نیست، ممکن نیست در مسیر سعادت و شاهره سربلندی و استقلال قدم بردارد و روز به روز برنامه‌ریزی و گرفتاری خود می‌افزاید. باید به خود تلقین کنیم که بفهمیم: (المؤمن کیس فطن تمام رادیوها، روزنامه‌ها، کتابها و اطلاعات و اخبار را باید بدانیم و بخوانیم، عالم به اجتماع باشیم که بهترین فهمیدگان اجتماع مؤمنینند و لکن المنافقین لا یفقهون. در زمان شاه از رادیوها و مطبوعات شنیدیم که بهترین جا برای آزادی اسرائیل است، در صورتی که حرف غلطی است و آزادی در اسلام است و عالیترین آزادی است و هرکس با آزادی مخالف است باید ادب شود. امیدواریم که خداوند به ما توفیق تلقین به نفس را مرحمت فرماید تا اینکه در صدد اصلاح نفس برآئیم و دارای اخلاقی خوش و اسلامی باشیم.

در پایان این بحث قضیه ای تاریخی از یکی از علماء و روحانیون عالیقدر و ربانی مرحوم شیخ حسنعلی اصفهانی شاگرد فقیه و استاد بزرگ میرزای شیرازی را برایتان نقل کرده و ختم این جلسه را اعلام می نمائیم. مرحوم روان شاد نامبرده، روزی عازم کوفه بودند در راه به سارقهائی برخورد کرده که آن بزرگوار را عریان و لخت کردند و تمام جامه ها و اثاثیه او را از او گرفتند، آن مرحوم تا این سرقت را از آنان مشاهده کردند فرمودند اشکالی ندارد، اگر شما جامه ها و لباسها و اثاثیه مرا برداشتید هذا هدیة منی الیکم مباح: حاللتان کردم، سارقین تا این بزرگواری و مناعت طبع را از وی دیدند شروع به گریه و زاری کردند و به دست آن مرحوم و در اثر تبلیغ و موعظه آن روحانی عالیقدر از عباد و زهاد و بندگان وارسته خدا شدند.

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

